الباب السادس من الواحد التاسع فیما ینبغی للناس ان یعزن…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب السادس من الواحد التاسع** فیما ینبغی للناس ان یعزن طائفة التی یخرج نقطة الحقیقة عن بینها اذا هم بها مؤمنون.

ملخص این باب آنکه بدانکه هیچ ارضی از آن معتدل تر نیست الا آنکه محل ظهور میشود و همچنین هیچ اسمائی اقرب بخداوند نیست بعد از حروف واحد الا آنکه محال انس شجرۀ حقیقت میشوند ولی اگر ابعد از خلق ایمان باو آورد اقرب خلق میگردد چنانچه در حروف واحد بخواهی نظر کن واگر قبل بخواهی نظر کن در اقرب در فرقان نظر کن که مناط ایمان است ولی اگر از اقرب شود اقرب تر مثل آنکه از امیر المؤمنین - علیه السلام - در قرآن واقع شد بلکه مناط قرب ایمانی است چنانچه در حروف واحد شاهد شدی

و بدانکه خداوند نظر میفرماید در ملک خود و هیچ ابی که از آن بهتر نباشد از برای او اختیار میفرماید و هم امی که هیچ از آن بهتر نباشد خداوند از برای او اختیار میفرماید و همچنین کل شئون دیگر را ملاحظه کن که یک وجود است و آن بحر جود کل بهمان زنده و کل بهمان میت خواهند شد اگر اقبال کنند زنده و الا میت چه اعلای خلق باشد و چه ادنی که نسبت او بکل اشیاء سواء است ولی خداوند نازل فرموده کل بهاء و ضیاء خود را بر ابوین او قبل از خلق ایشان و صلواة بر ایشان نازل فرموده قبل خلق سموات وارض و ما بینهما و آن همان صلواتی است که از آن مولود بر ایشان نازل میشود نه غیر آن

زیرا که ذات ازل متعالی است از ذکر واقتران و آنچه در امکان ممکن ظهور مشیت اولیه است بظهورها نه بذاتها و او است کینونیت مشیت که در او دیده نمیشود الا الله جل و عز و محبوب ازل جل و عز هر کس از برای او است ازبرای خدا است و هر کس از برای او نیست لدون الله بدان و کل وجود را نزد آن بحر جود قطرۀ از بحر جود آن دان و درک کن او را یا بحب درک آن جان ده که درک خواهی کرد اگر ظهور آن واقع نشود و الا اگر بقدر تسع تسع عشر عشر تاسعه شنوی و بلی نگوئی نخواهی بعد از موت او را درک نمود

و بدانکه طاعت او نفس طاعة الله هست و محبت او نفس محبة الله هست و در کتب و کلمات محتجب ممان در یوم ظهور آن که کل سبب وصول باو است و اگر آن باشد و کل نباشد او بوده و کل در ظل او خواهد بود و اگر او نباشد و کل باشد هیچ شیئی نبوده و نخواهد بود و فانی محض است این است معنی آیۀ شریفه اگر در معرفت او بنورانیت نظر کنی

”قل الله یکفی من کلشیئ و لا یکفی عن الله ربک من شیئ لا فی السموات و لا فی الارض و لا ما بینهما انه کان علاما کافیا قدیرا“

و از برای هیچ مطلب این آیه را تلاوت ننمائی بعدد اسم ”قدیر“ مگر آنکه مشاهده اجابت نمائی از مبدأ امر زیرا که خداوند بوده اقرب بتو از نفس تو بتو و قادر بوده بر هر شیئی و عالم بوده و هست بهر شیئ که اسم شیئیت بر آن تعلق گیرد بعد از آنکه از لسان کینونیت خواندی او را حروف این آیه در ملک او بوده وهست سبب میگردد که ظاهر نمایند اسباب اجابت را از قبل او ولی نظر مکن الا الی الله که کل ما دون او خلق او است و الله غنی منیع.

